روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۹۴۲۰۳۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

دوشنبه • ۸ اردیبهشت ۱۳۹۹ • ۳ رمضان ۱۴۴۱ • ۲۷ آوریل ۲۰۲۰
سال هفدهم • شماره ۳۷۰۵ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ • اذان مغرب ۲۰:۰۷
اذان صبح فردا ۴:۴۳ • طلوع آفتاب ۶:۱۵

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

عکس: سهند تاکی

تلنگر

کرونا، کارگران و بی‌کاری

سامان موحدی‌راد: جست‌وجوی اخبار با کلیدواژه‌های «کارگر» و «کرونا» فقط در خبرگزاری دولتی ایرنا نشان می‌دهد که در ۱۰ روز گذشته دست‌کم صد هزار کارگر در سه استان مازندران، گلستان و لرستان از کار بی‌کار شده‌اند و نزدیک به ۶۵ هزار نفر هم در مازندران، قم، کرمانشاه، چهارمحال‌وبختیاری، مهاباد و سبزوار برای دریافت بیمه بی‌کاری نام‌نویسی کرده‌اند. این فقط بخشی از آماری است که مسئولان محلی این شهرها و استان‌ها اعلام کرده‌اند. از وضعیت آماری دیگر استان‌ها خبری در دست نیست و باید جسته‌وگریخته در میان آمار مسئولان محلی آنها را جست‌وجو کرد؛ اما اخبار جسته‌وگریخته خبر از بی‌کاری جمعیت زیادی از کارگران در ایران دارد. خبرگزاری کار ایران، ایلنا روز گذشته گزارش داده که کارگران چینی زرین ایران برای دریافت بیمه بی‌کاری معرفی شده‌اند. آن‌چنان که در این گزارش آمده، انبارهای این شرکت پر است؛ اما ازآنجایی‌که مدتی است فروش نداشته‌اند، مجبور به تعدیل نیرو شده‌اند. تعداد افراد بی‌کارشده در این شرکت را بالغ بر ۳۰۰ نفر می‌دانند. کرونا در سرتاسر دنیا بیش از هر گروهی اقشار کم‌درآمد، کم‌برخوردار و کارگران را تهدید می‌کند. خطر ازدست‌دادن شغل، سرپناه و همچنین نداشتن دسترسی درست به خدمات درمانی بر اثر همین تنگناهای اقتصادی ایجادشده موجب شده تا این گروه‌ها در بیشتر نقاط دنیا و ازجمله ایران روزگار سختی را پشت سر بگذارند. در ایران بخش بزرگی از جامعه کارگران در صنعت ساختمان مشغول به کار هستند؛ یکی از مشاغلی که با شیوع کرونا فعالیت در آن نزدیک به صفر شده و کارگران زیادی که در آن مشغول به کار بودند، از کار بی‌کار شدند. فقط در مازندران و بنا به گفته مسئول انجمن صنفی کارگران ساختمانی ۸۰ هزار کارگر ساختمانی از کار بی‌کار شده‌اند. سیدهادی ساداتی با بیان اینکه دولت با وجود وعده‌هایی که در زمینه حمایت از کارگران در شرایط فعلی داده؛ اما هنوز ریالی به کارگران تعلق نگرفته است، می‌گوید که در آستانه روز کارگر، شاهد وخیم‌ترین وضعیت معیشتی برای کارگران هستیم. وضعیت وخیم ایجادشده برای کارگران موجب شد تا دولت تدابیری برای حمایت از آنها بیندیشد تا به حل مشکلات آنها کمکی کرده باشد. در اولین اقدام دولت تصمیم گرفت به خانواده‌هایی که بعد از کرونا هیچ درآمدی ندارند، کمک معیشتی پرداخت کند. در اولین گام سازمان برنامه و بودجه مکلف شد که در چهار دوره کمک معیشت به سه میلیون خانواده پرداخت کند. اولین مرحله این کمک معیشتی در آخرین روز سال ۹۸ به حساب یارانه سرپرستان خانواده واریز شد و تا خردادماه نیز سه دوره دیگر آن پرداخت خواهد شد. همچنین دولت به چهار میلیون نفر که از اقشار آسیب‌پذیر هستند، وام یک‌ونیم تا دو میلیون‌تومانی پرداخت می‌کند. این وام در قالب کارت‌های اعتباری خرید کالا به افراد پرداخت می‌شود. علاوه‌براین تدابیری برای عقب‌انداختن بازپرداخت وام بانکی هم اندیشیده شده بود؛ اما با همه اینها کارگران در بسیاری از مخارج اولیه خود نظیر اجاره مسکن و تأمین مخارج روزانه درمانده‌اند. علاوه‌براین این کمک‌ها شامل حال بسیاری از کارگران غیررسمی نشده است. محمد صباغیان، دبیر اجرائی خانه کارگر خراسان شمالی، دراین‌باره به ایرنا گفته است که دولت با توزیع بسته‌های معیشتی و کمک نقدی، گامی برای حمایت از کارگران برداشته است؛ اما دراین‌میان، کارگرانی که بیمه نیستند و شناسنامه کاری ندارند، از این قافله جا ماندند. موضوع دیگری که این روزها نگرانی‌هایی را درباره وضعیت کارگران ایجاد کرده است، وضعیت سلامت آنها در کارگاه‌ها و کارخانه‌هایی است که شروع به فعالیت کرده‌اند. همین چند روز پیش خبر رسید که تست کرونای ۳۷ کارگر کارخانه پتروشیمی ارومیه مثبت شده است. گویا در این کارخانه ۸۲ مورد تست کرونا گرفته شده که ازاین‌میان تست ۳۷ نفر یعنی ۴۵ درصد کارگران مثبت اعلام شده است؛ ازاین‌رو نگرانی‌هایی درباره وضعیت سلامت کارگران هم ایجاد شده است؛ به‌ویژه اینکه کارگران به دلیل وضعیت اقتصادی زندگی‌شان در دو ماه گذشته و به واسطه کرونا شاید دسترسی درستی به خدمات درمانی هم نداشته باشند. در مجموع به نظر می‌رسد در آستانه روز کارگر وضعیت جامعه کارگری ایران از هر زمان دیگری وخیم‌تر باشد. مراسمی که بنا به پیشنهاد برخی چهره‌های دولتی و در جهت حفظ سلامت کارگران ممکن است مجازی برگزار شود. جامعه کارگری همیشه با تنگناهای اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کرد؛ ولی این بار فشارهایی که به دلیل شیوع کرونا بر اقتصاد کشور و به‌ویژه این گروه ایجاد شد، وضعیت را نگران‌کننده کرده است.

اتفاق

همه برای کشف واکسن

● **ایسنا:** محققان در سراسر جهان در حال تلاشند تا درمانی برای مقابله با بیماری مهلک کووید-۱۹ بیابند. اکنون نیز بنابر گزارش‌ها، محققان آمریکایی در حال تلاش برای توسعه واکسن ویروس کرونا هستند.

بااین‌حال، محققان از راه دور و در خانه با یکدیگر ارتباط دارند و از طریق ارتباطات تصویری زوم، تلفن و ایمیل در حال همکاری با یکدیگر هستند. در همین حالت محققان طی یک ماه مواد بالینی را ایجاد کرده‌اند و اکنون با همکاری دو آزمایشگاه در حال آزمایش توانایی مواد در تحریک پاسخ ایمنی در مدل‌های حیوانی هستند و بنابر گفته‌ها این روند شش هفته به طول می‌انجامد. محققان ام.آی.تی در حال تولید واکسن زیرواحد هستند که با استفاده از تنها بخش کوچکی از پروتئین از ویروس برای آموزش سیستم ایمنی بدن برای شناخت کل ویروس و جلوگیری از آلوده‌شدن سلول‌ها، عمل می‌کند. این واکسن‌ها اغلب با استفاده از آنتی‌بادی‌هایی که می‌توانند ویروس را به هم متصل کرده و خنثی کنند، کار می‌کنند و به بدن فرصت مبارزه برای ازبین‌بردن ویروس را می‌دهند. از مزایای تولید واکسن زیرواحد این است که ساختن آن آسان و ایمن است. درحال‌حاضر، مطالعات ایمن‌زایی و فرمول‌بندی برای اولین کاندیدای واکسینه آنها در حال انجام است.

پرنده آبی

قایقرانی با دغدغه زیست‌محیطی

«سیدمحمدامین شیخ‌مندی» یکی از قایقرانان پیش‌کسوت مهابادی است که در کنار این ورزش مفرح دغدغه‌های زیست‌محیطی دارد و هرسال به مناسبت روز زمین پاک، زباله‌های مخزن سد مهاباد را جمع‌آوری می‌کند. این قایقران مهابادی امسال نیز به مناسبت روز زمین پاک، قایق خود را به حاشیه سد مهاباد انداخت و با جمع‌آوری زباله‌های معلق روی آب مخزن این سد در چندین نوبت آنها را گردآوری کرده و به بیرون انتقال داد. این قایقران پیش‌کسوت مهابادی در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا اظهار کرد: هرچند امسال به خاطر بیماری کرونا مردم کمتر به دامن طبیعت می‌روند اما به خاطر سهل‌انگاری برخی افراد در بالادست سد مهاباد، آشغال و سایر پسماندها به داخل سد مهاباد روانه می‌شود. سیدمحمدامین شیخ‌مندی افزود: برخی از پسماندها شامل پلاستیک، بطری شیشه‌ای، نایلون و وسایل چوبی هستند که در این ایام کرونایی دستکش و ماسک هم به آنها اضافه شده است. او اضافه کرد: سد مهاباد به‌عنوان منبع تأمین‌کننده آب شرب این شهر بوده و مراقبت و نگهداری از آن و جلوگیری از ورود پسماندها به آن وظیفه همه شهروندان است. او هربار که پسماندها را از سطح آب جمع‌آوری می‌کند، آنها را به حاشیه سد می‌آورد، در این میان با زباله‌ها حرف می‌زند و در قالب داستان‌هایی نیز آن را در فضای مجازی منتشر می‌کند که این روش او برای حفاظت از محیط زیست، با استقبال شهروندان مهابادی و کاربران فضای مجازی روبه‌رو بوده است. این عضو تیم منتخب پیش‌کسوتان قایقرانی دراگون ایران، علاوه بر سد مهاباد، هرسال در پاکسازی غار آبی سهولان، تالاب‌های بین‌المللی «کانی‌برازان» و «یوسف‌کند» مهاباد نیز مشارکت دارد و با استفاده از قایق خود پسماندها را از این محیط‌ها جمع‌آوری می‌کند. این قایقران پیش‌کسوت مهابادی که از علاقه‌مندان رشته کوهنوردی نیز هست. در سال ۱۳۹۵ برای نخستین بار قایق پنج‌متری خود را به قله چهارهزار و ۸۱۱ هزار متری سبلان برد و با قایقرانی در این دریاچه زیبا، آن را از وجود زباله و پسماندها پاکسازی کرد.

یادبود

ادبیات همان قدم یازدهم است

درباره «سوسن طاقدیس» و قدم یازدهم ادبیات

نقی سلیمانی

بعد از رفتن «نادر ابراهیمی» شنیدم که «سوسن طاقدیس» هم از میان ما رفت و تمام خردسالان ایران را تنها گذاشت. سوسن طاقدیس یکی از پنج نویسنده مهم ادبیات خردسال ایران بود؛ نویسنده «قدم یازدهم». من حدود ۳۰ سال پیش با این نویسنده خلاق ایران، در کیهان بچه‌ها، در جلسات ادبی «شکوه قاسم‌نیا» (که مثل دیگر بزرگان ادبیات خردسال ایران، خدا حفظشان کند) آشنا شدم. طاقدیس ذهنی فوق‌العاده خلاق داشت و در داستان‌نویسی برای خردسالان آثار فراوان می‌نوشت. (این اواخر گاهی به شوخی به او می‌گفتم از آن یک گونی داستان چندتایش را بده ناشران منتشر کنند). چنان خلاق بود که هر بار اراده می‌کرد، کافی بود فقط قلم را روی کاغذ بگذارد، همان‌طور که شیر آب را باز می‌کنید و آب برمی‌دارید، به‌راحتی از ذهنش برداشت می‌کرد و به خردسالان تقدیم می‌کرد؛ یک ذهن خلاق و مواج. البته همه کسانی که برای خردسالان می‌نویسند باید چنین باشند. به قول نادر ابراهیمی، یک بخش ادبیات خردسال کار خلاقه است، اما یک بخش دیگر آن که به همان اندازه مهم است، واقعا دقیق و حساب‌شده است؛ طوری که شاید از بیرون حتی مکانیکی به نظر برسد، مخصوصا در مورد بهره‌گیری از زبان؛ زبان فارسی. در اینجا، مثل اینکه نویسنده متر به دست دارد. هر جمله ادبیات خردسال از هفت کلمه نباید بیشتر شود و بلکه پنج کلمه یا حتی سه کلمه. هر جمله ضروری است «یک پیامی» باشد، بنابراین نویسنده خلاق ادبیات خردسالان، غیر از ذهن خلاق، مثل اینکه باید حتی متر بگذارد که ساده‌ترین و آسان‌ترین جمله را بنویسد. از این‌رو نویسنده خلاق خردسال، سخت‌ترین کار دنیا را انجام می‌دهد. چون مثل اینکه باید دریا را در کوزه‌ای بریزد. نوشتن برای بزرگسالانی که ۱۰ هزار کلمه را می‌دانند و نوشته‌ای را به‌آسانی می‌خوانند یا می‌فهمند، از این نظر، کاری ندارد. نویسنده کافی است که خلاقانه مطلبی را بنویسد؛ کار تمام است و ارتباط برقرار می‌شود. (نه اینکه خلق ادبیات کار ساده‌ای باشد. آن سر جای خودش؛ بله، عرق‌ریزان روح است). اما نویسنده خردسال باید «هم‌زبانِ خردسال» باشد؛ خردسالانی که حتی ممکن است ۲۰۰ کلمه و واژه ندانند. نویسنده خردسال هم باید خلاق باشد و فوران کند هم ذهنش را تا می‌تواند به کودک نزدیک کند. اصلا نویسنده، باید خودِ کودک شود. مثل کودکان فکر کند، حرف بزند، بنویسد. گویی که خط‌کش به دست دارد؛ جمله‌ها را متر کند و بنویسد. با جمله‌های ساده و ساده‌تر بنویسد؛ کوتاه و کوتاه‌تر و دشوار این است: در عین حال داستانی که می‌نویسد، باید خلاق و پرجاذبه باشد، ساده‌فهم باشد اما ساده و پیش‌پاافتاده نباشد؛ ادبیات باشد. همان «آنی» را که ادبیات دارد، داشته باشد. «طاقدیس» چنین بود؛ مثل همه نویسندگان ادبیات خردسال در جهان، ادبیات می‌آفرید. «قدم یازدهم» را که نوشت، در جلسه قصه آن سال‌ها، همه دیدند که چقدر ساده و چقدر پرمعنا و عمیق بود. ادبیات بود، «ادبیات» بود؛ ادبیات خردسال. طاقدیس قدم یازدهم را برداشته بود و به خیلی‌ها نشان داد که ادبیات همان قدم یازدهم است.

**

(طاقدیس) به من می‌گفت: ادبیات خردسال فقط همانی نیست که نوشته و چاپ شده است؛ سطرهای سفید آن هم هست؛ سطرهایی که بین سطرهاست. یعنی که خیلی چیزها را نویسنده خردسال در داستانش آورده، اما سفید است و ظاهرا خوانده نمی‌شود. یعنی که ما در ادبیات خردسال «سطرهای نامرئی» هم داریم. سطرهای نامرئی، حس می‌شوند؛ اما خوانده نمی‌شوند و این، یعنی الفبای ادبیات خردسال ۳۲ حرف ندارد، ۳۳۲ حرف دارد.

آکادمی

تعدیل نیرو یا اخراج انسان

بابک زمانی
نورولوژیست

پابه‌پای گسترش پاندمی کرونا و ضرورت فاصله‌گذاری و به‌تبع آن تعطیلی بسیاری از مراکز اقتصادی و خدماتی و به‌ویژه مؤسسات درمانی، به‌طور پراکنده صحبت‌هایی به گوش می‌رسد که سرمایه براساس خصلت‌های ذاتی خود در حال به‌اشتراک‌گذاشتن زیان‌های ناشی از بحران به کارکنان و همه کسانی است که به‌جای سرمایه‌هایشان بازوها و سلول‌های مغزی‌شان در حال کار و تولید خدمات است. شکی نیست که تجمع سرمایه آن‌هم در بخش‌های خصوصی درمانی در کشور ما کار آسانی نبوده است. به علاوه تخصیص سرمایه به کار درمان درحالی‌که کمبود سرمایه از نواقص اصلی سیستم سلامت کشور به‌طور کل بوده است، پدیده مفیدی است. به‌ویژه که این سرمایه نوظهور تنها در همین چند سال اخیر فرصت تجمع‌یافته و در این مرحله با رقابت و با به‌کارگیری فناوری‌های جدید خصلت پیشروانه خود را به نمایش می‌گذارد و در برخی موارد با تولید و عرضه و نمایش بهترین کیفیات مدرن سلامت مدلی برای تمام بخش‌ها به شمار رفته، سطح بالاتری از کیفیات سلامت را تولید کرده و توقع از سیستم سلامت را بالاتر می‌برد؛ اما به‌هیچ‌عنوان نباید فراموش کرد که این سیستم، همچنان سرمایه‌داری است (ولو در مرحله پویایی آن) و بنابراین از اصول سرمایه‌داری، مستقل از قصد و اراده افراد، اطاعت می‌کند. مثلا در لحظه‌های بحران از تمهیداتی برای حفظ خود به قیمت ضرروزیان نیروی کار استفاده می‌کند و زیان حاصله از بحران را به نیروی کار منتقل می‌کند و با رهایی از تعهداتی که اخیرا دست‌وپاگیر شده‌اند ممکن است خود را نه‌تنها از مهلکه برهاند بلکه حتی نفس تازه کند و گام‌های بلند دیگری هم بردارد. او که خود را زمانی به‌جای سرمایه‌دار «کارآفرین» می‌خواند و برای این آفرینش خود هم تسهیلات و امکاناتی از جامعه درخواست می‌کرد که پربیراه هم نبود، حالا آن نام را به فراموشی سپرده «انسان» را «نیرو» خوانده و به نام «تعدیل» (که مفهومی است هم‌عرض نیرو) اخراج می‌کند. یا به روش‌های سرمایه‌دارانه دیگر که در جوامع سرمایه‌داری کهنه به‌خوبی شناخته شده‌اند و جامعه مدنی ده‌ها سال با آنها دست‌وپنجه نرم کرده است، دست می‌یازد. آن هم درحالی‌که سود سرمایه‌های مؤسسات گاه ارقام کمی نیست و به‌علاوه این مؤسسات شرکت‌های سهامی عام نیستند که در سودوزیانشان هزاران بلکه میلیون‌ها نفر ضرر کنند. سهامداران این مؤسسات چندصد نفر بیشتر نیستند که در این میان سهام عمده هم از آن چند نفر است. این درست است که این روش‌ها ابتدابه‌ساکن و به جهت حفظ مؤسسات و ظاهرا برای اولین‌بار به اذهان صاحبان این سرمایه‌های نوظهور خطور می‌کند و سر پا ماندن مؤسسه را مهم‌ترین رکن به‌شمار می‌آورند و حتی به این بهانه تسهیلات و امکانات دولتی بیشتری می‌طلبند تا کارِ آفریده‌شده در خطر نیفتد و در بسیاری موارد درخواست نابجایی هم نیست، اما نباید از یاد برد که همه اینها در غیاب نظارت اتحادیه‌های کارکنان، از پایین‌ترین سطوح خدماتی تا بالاترین و ماهرترین متخصصان، صورت می‌گیرد. انجمن‌های پزشکان و متخصصین و رشته‌های دیگر خدمات سلامت نه‌تنها قانونا اتحادیه‌های شناخته‌شده این نیروهای کار نیستند بلکه تجربه چندانی هم در مقابله با چنین ترفندهایی ندارند. در غیاب چنین نظارتی دولت هیچ‌گاه اطمینان نخواهد یافت که تسهیلات اهدایی به مصرف حفظ کیفیت زندگی کارمندان خواهد رسید یا در پیچ‌پیچ روده‌های پراشتهای سرمایه هضم خواهد شد. در کشورهایی هم که سرمایه رشد طبیعی و تنها بر اساس بازار و تولید را طی کرده (اگر با این معنی و به‌طور مطلق جامعه‌ای وجود داشته باشد) و اتحادیه‌های نیروی کار نظارت مستمر داشته و در حال تعامل دائمی هستند هم هیچ‌گاه به‌طور مطلق جامعه از نظارت دولتی بی‌نیاز نبوده است؛ چه برسد به کشور ما که بسیاری از سرمایه‌ها هم آن روند طبیعی و ظاهرا عادلانه بازار را طی نکرده‌اند.

زنان

چرا تعجب می‌کنید؟

امیر عربی . دستیار چشم‌پزشکی

با وجود اینکه در طرز فکر و روش تحلیل موضوعات مختلف تفاوت‌های بنیادین بین افراد جامعه ما وجود دارد، اما شاید در یک چیز همه شبیه هم باشیم: به خبرها اعتماد نداریم. هرچه خبر خوش‌تر، بی‌اعتمادی ما بیشتر، هرچه موفقیت مخابره‌شده بزرگ‌تر، شک و تردید ما در صحت خبر عمیق‌تر.

● نمونه بارز این موضوع تغییر آمار مرگ و میر و ابتلا به کرونا در روزهای گذشته بوده که خبر سیر نزولی آن گمانه‌زنی‌ها درباره غیرواقعی‌بودن آن را به اوج رساند. رابطه ما با آمار و ارقام در سال‌های اخیر رابطه عمیق‌تر و صمیمی‌تری بوده است. اعتمادنداشتن به آمار و ارقام در همه کشورها وجود دارد. کمتر عقل سلیمی را می‌توان یافت که باور کند کشور شبه‌اروپایی که در همسایگی ما قرار دارد و از نظر جغرافیایی در قلب گستره همه‌گیری کرونا قرار گرفته است تا همین چند هفته پیش آمار ابتلایش کمتر از ۱۰ نفر بوده است. البته مسئولان این کشور سریع شستشان خبردار شد که این آمار با بزرگ‌ترین همه‌گیری قرن هیچ‌جوره سازگار نیست و اکنون در جمع کشورهای با آمار بالای کرونا قرار گرفته است. یا در بین کشورهای غربی در تمام این مدت زمزمه‌هایی از ارائه آمار غیرواقعی و عدم احتساب بخش بزرگی از قربانیان به گوش می‌رسد. البته به علت حیله‌گری ذاتی این کشورها، بازی با آمار در آنها بسیار حرفه‌ای‌تر بود. این کشورها آن بخش از آمار را که مربوط به غربالگری و قدرت تشخیصی بیماری است، از همان ابتدا برجسته کردند و در چند روز مبتلایان خود را بیشتر و بیشتر مخابره کردند تا بگویند چقدر در تشخیص و بیماریابی قوی هستند، حال آنکه وقتی پای تعداد کشته‌شدگان به میان آمد، خودشان خودشان را متهم به دروغ‌گویی و پنهان‌کاری کردند.

● شاید لازم باشد قضاوت بدبینانه و شکاک را درباره خبرهای مرتبط با سیستم سلامت کشورمان کمی چکش‌کاری کنیم. بهتر است از موفقیت‌های سیستم سلامت خودمان به شکل اغراق‌شده تعجب نکنیم. هرقدر در سایر زمینه‌ها با دلیل و مدرک می‌توانیم ثابت کنیم که ناموفق بوده‌ایم، در امور مرتبط با سلامت گاهی با دلیل و مدرک راحت ثابت می‌شود موفق بوده‌ایم. اگر نمی‌توانید با آمار و ارقام خودمان ارتباط برقرار کنید، می‌توانید به بیانیه‌ها و گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی بهداشتی مراجعه کنید که بارها به موفقیت ایران در امور پزشکی اذعان کرده‌اند. اگر همچنان اعتماد ندارید و فکر می‌کنید آمار بین‌المللی هم کار خودشان است، به آنچه می‌بینید اعتماد کنید. در عصری که قدرت در دست آنهایی است که رسانه گسترده‌تر و نوکران بیشتری دارند و خوراک قضاوت‌های ما طوری از سوی آنها تأمین می‌شود که ته همه نتیجه‌گیری‌ها موفقیت خارجی‌ها و غربی‌هاست، تنها راه دستیابی به واقعیت شاید استدلال شهودی باشد. فلان بیمارستان فلان کشور غربی که حضور در آن برای فرهیختگان کشورمان رؤیا و غایت نهایی شده، به‌عنوان بهترین بیمارستان دنیا معرفی می‌شود، بین خودشان جلسه تشکیل می‌دهند و جایزه‌ها و عناوین را پخش می‌کنند، درحالی‌که دورشان را یک مشت جهان سومی خودباخته گرفته است که هرچه آنها می‌گویند، با دیده حسرت تحسین می‌کنند و این‌گونه بر اعتبار پوشالی خود می‌افزایند. حال آنکه کافی است به بیمارستان‌های پرتردد در همین تهران مراجعه کنید، همان بیمارستان‌هایی که بعضا به ناحق خودمان عناوینی مانند کشتارگاه را به آنها نسبت داده‌ایم و مشاهده کنید چگونه سخت‌ترین بیماران با شدیدترین آسیب‌ها به بهترین شکل توسط استادان و دستیاران گمنام مدیریت می‌شوند و زمانی که خبر این موفقیت در قالب مقالات علمی منتشر می‌شود، ژورنال‌های رانتی غربی آنها را پس می‌زنند. چه ایده‌هایی که از دل همین بیمارستان‌های داخلی شکل گرفت و با برخورد سرد ناشران خارجی روبه‌رو شد؛ اما بعد از مدتی در کمال ناباوری غربی‌ها همان ایده را مطرح کردند و در کتاب‌های تمام دنیا با نام دانشمندان آمریکایی منتشر شد. حال آنکه در همین بحران اخیر مرکب دانشمندان مزبور که تا بن دندان مسلح به پیشرفته‌ترین امکانات پزشکی هستند، در گل کرونا گیر کرده است. چندی پیش در یک کنگره بین‌المللی در رشته چشم‌پزشکی یکی از همین چهره‌های ماندگار تاریخ علم بشری با کلی التماس و درخواست و با هیئتی باشکوه وارد ایران شد، تا درباره روش‌های درمانی فلان بیمارستان در آمریکا سخنرانی کند. در پایان متوجه شدیم روش‌های درمانی آنها با میلیاردها دلار بودجه و پیشرفته‌ترین امکانات همان‌هایی است که در یک مرکز بی‌ادعای چشم‌پزشکی در تهران خودمان با کمترین امکانات توسط استادان خودمان در حال انجام است. دردناک‌تر اینکه همین فرد در راه برگشت با هیئتی پرشکوه‌تر بدرقه شد تا شاید دست بعضی‌ها را هم در انتشارات مقالات در ژورنال‌هایشان بگیرد.

● اگر همچنان به سیستم بهداشتی ایران اعتماد ندارید و استدلال‌های مطرح‌شده را یک‌جانبه و غیرمعتبر می‌دانید، به زندگی روزمره خود برگردید. به این فکر کنید که می‌توانید با دفترچه بیمه‌ای که در دست دارید به یک بیمارستان دولتی بروید و با مبلغی کمتر از قیمت یک پاکت تخمه آفتابگردان، از سوی یک فوق تخصص دانشگاهی ویزیت شوید. به این فکر کنید که اگر فقط ۱۰ هزار تومان در جیب دارید، با این وضع گرانی و تورم تنها تفریحی که می‌توانید انجام بدهید این است که یک چکاپ کلی از وضعیت سلامتی خود به عمل بیاورید. اینکه هزینه گزاف این سیستم سلامت ارزان و در دسترس را چه کسانی پرداخت می‌کنند، در یک دنیا مقال و یک عمر مجال نمی‌گنجد، اما اثبات اینکه با هر آماری، مردم برندگان واقعی سیستم سلامت ما هستند، کار سختی نیست.